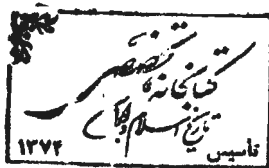


”تحلیل مشخص از شرایط  
مشخص“ شعاری تو خالی  
نیست!!

شرحی بر مواضع انجمنهای دانشجویان  
مسلمان در جریان توطئه به تعطیل  
کشاندن دانشگاهها  
و بررسی انتقادات

انجمنهای دانشجویان مسلمان  
دانشگاهها و مدارس عالی

بها : ۲۵ ریال



بنام خدا  
و  
بنام خلق قهرمان ایران

" ان من صرحت له العبر عما بين يديه من المثالات  
جزته التقوى عن تقم الشبهات.... " علی ( ع ) خطبه ۱۶  
( کسی که عبرتها و تجارب مربوط به انقلابات و مبارزات  
گذشته را در پیش رو دارد، تنها با تکیه بر تقوی میتواند  
از افتادن به اشتباهات و انحرافات مصون بماند. )

مقدمه :

با شروع سال ۵۹ و حوادث و وقایعی که در آن برداشگاهها  
گذشت و بنام انقلاب فرهنگی، تمامیت فرهنگ انقلابی جامعه  
که با نام دانشجو و دانشگاه عجین است مورد حمله و هجوم  
انحصارطلبان و واپسگرایان که از گسترش فرهنگ انقلابی  
عراسان بوده و مرگ خود را در رشد نیروهای انقلابی و پیشتاز  
جامعه می بینند، فرار گرفت، و دفاع و مقاومت قهرمانانه  
دانشجویان، اوراق نوین و سرخی در صفحات کارنامه درخشان  
و خونین دانشگاهها در طول سالهای سیاه حاکمیت امپریالیسم

و استبداد شاهنشاهی و حیات سیاسی پر جوش و خروش ۱۴ ماهه پس از سقوط دیکتاتوری، گشود.

اوراق درخشانی که هریک گواهی آشکار بر نزاع تاریخی و مداوم حق و باطل، نور و ظلمت، خلق و ضد خلق و در کلامی دیگر، ارتجاع و انقلاب است که این بار نیز در پیشاپیش صفوف فرزندان دانشجوی خلق را مورد یورش و تاخت و تاراج قرار داد و آنان نیز بحق، آنها را با روشی گشاده پذیرا شدند و با دفاع و مقاومت قهرمانانه از سنگر تسخیرناپذیر آزادی و حریت: "دانشگاه"، تهاجم گسترده و وسیع جبهه ارتجاع رو به زوال را به انقلاب و فرزندان خلف آن، خنثی کرده و مشت توطئه گران و انحصار طلبان و عناصر و محافل ضد فرهنگ و حریت را که بدروغ و ریا در پس چهره های مردم محروم و ستم دیده میهنمان خود را پنهان کرده و می کنند، باز و رسوا ساختند و توطئه ای را که میرفت بنام اسلام و انقلاب و فرهنگ این سره، را به سکون و تباهی و نابودی بکشاند، در نطفه خفه کردند.

قطعا "بررسی مفصل این مطلب که چرا این بار نیز، چون گذشته دور و نزدیک، دانشگاه ها هدف آغازین توطئه میشود به فرصتی جداگانه نیاز است ولی دست کم، آنچه که در آن شک و تردیدی نیست و با قاطعیت می توان بر آن تأکید کرد اینست که دانشگاه ها همواره منادی آگاهی و آزادی و سنگر تسخیرناپذیر روشنگری و افشاگری، و پایگاه انقلابی پرور خلق است و تنها با فروریختن آن است که راه حمله و سرکوب آزادی و نیروهای انقلابی، هموارتر و سهل تر خواهد شد.

البته آنان، خود نیز از آنجا که سوابق طولانی و مقاومتها و پایمردی های دانشجویان را در برابر یورشهای وحشیانه مزدوران گارد و ساواک و چماق بدستان آریا مهری

بخاطر دارند، بخوبی آگاهند که برای تسخیر دانشگاهها نمی‌توان بشیوه‌های آنچنانی متوسل شد بلکه بایستی متناسب با اوضاع و احوال و شرایط روز جامعه، با تشبث به مفاهیم و ارزشهای انقلابی و اسلامی و بنام تحقق انقلاب فرهنگی و تغییر نظام دانشگاهی، دست به کار تصفیه و پاکسازی! دانشگاهها از وجود مخالفین بزنند، و می‌بینیم که همانها که هرگونه فکر و پیشنهاد تغییر بنیادی نظام کهنه و وابسته به امپریالیسم را در تمامی نهادها و ارگانهای مملکتی که از گذشته به ارث رسیده است، با انواع و اقسام مارکها نظیر ضدانقلاب و ... پاسخ می‌گفتند و منجمله در دانشگاهها حتی به قیمت تثبیت و تحکیم تمامی قوانین گذشته، مانع از کمترین تغییر و تحول می‌شدند، پس از گذشت بیش از یکسال از پیروزی انقلاب، ناگهان ب فکر انقلاب فرهنگی و تغییر بنیادی سیستم دانشگاهی افتاده و یکشنبه، کشف می‌کنند که نظام آموزشی دانشگاهها امریکائی و وابسته بوده است و آنان به - ثنائی رسالت این انقلاب! را به عهده دارند و جالبتر اینکه همین حضرات که هرگونه نزدیکی به سلاح را علیه رژیم گذشته و در راه تحقق انقلاب رها می‌بخش و ضدامپریالیستی میهنمان امری خطا می‌شمرند، اکنون برای انجام انقلاب فرهنگی، شیوه قهرآمیز را مناسب تشخیص داده و هر نوع بحث و گفتگو و تبادل نظر را حتی برای لحظه‌ای، سازش و خیانت! قلمداد می‌نمایند و در واقع، عملاً" بطور انحصار طلبانه حق مشارکت و تعیین سرنوشت دانشگاهی را برای دیگر نیروها و اقشار دانشگاهی زیر پا می‌گذارند.

انجمنهای دانشجویان مسلمان با چنین تحلیلی از جریانات و با کشف و افشاء این توطئه از پیش طرح‌ریزی شده که متأسفانه قرار بود توسط برخی از انجمنهای اسلامی،

علیرغم عدم موافقت بسیاری نیروهای صادق مذهبی درون آن در دانشگاه‌ها پیاده شود، رسالت خطیر دفاع از دانشگاه‌ها و در حقیقت، دفاع از نیروهای انقلابی و خنثی کردن توطئه مزبور را بر دوش خود احساس کرده و با هشیاری و فداکاری تمامی خواهران و برادران انجمن‌ها در سراسر کشور و سپس ورود سایر دانشجویان به صحنه، عملاً نقش مقدم و پیش‌تاز خود را ایفا نمودند.

نقش‌افشاگری‌ها و هشدارهای متعدد ما چه قبل و چه در جریان اجرای توطئه اشغال دانشگاه‌ها و هشیاری‌های مستمر ما در طول روزهای مقاومت، نمی‌تواند مورد انکاریا چشم‌پوشی هیچ فرد یا گروه صادق دانشجویی قرار گیرد. انجمن‌ها در اولین اطلاعیه خود بتاريخ ۵۹/۱/۲۷، به افشاگری توطئه پرداختند و اولین هشدار را چنین دادند:

"بدنبال اخباریکه این روزها شایع شده مبنی براینکه نیروهای قصد ایجاد آشوب و برهم‌زدن دانشگاه‌ها را دارند انجمن‌های دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها و مدارس عالی برای جلوگیری از بروز هرگونه اغتشاش و ناآرامی در دانشگاه‌ها و حفظ وحدت و یکپارچگی صفوف خلق به پیگیری این ماجرا و روشن کردن دقیق این امر پرداخت. در نتیجه تلاشها و کوششهای برادران و خواهرانمان سندی از کروکی سازماندهی این عده دانشجویان که قصد اشغال، برهم‌زدن و نهایتاً تعطیل دانشگاه‌ها را داشتند بدستمان رسید...."

و سپس بلافاصله در تاریخ ۵۹/۱/۲۸ در اعلامیه مفصلی تحت‌عنوان "شرح ماجرای توطئه اغتشاش و آشوب و تعطیل کردن دانشگاه‌های ایران" اخبار و اطلاعات بیشتری را ارائه داده و نیز همزمان با آن، ضمن بیانیه مشروحی به‌طرح نقطه‌نظرهای خود "درباره حمله به مراکز آموزشی توسط

راستگرایان تفرقه‌انگیز" پرداخته و منجمله چنین نوشتیم:  
" این روزها شاهد بودیم که راستگرایان هرج و مرج طلب  
تحت عنوان شعار " اصلاح دانشگاهها " و "تغییر نظام آموزشی"  
قصد برهم ریختن نظم دانشگاهها و مدارس عالی را داشته‌اند،  
تا از این طریق بتوانند اهداف انحصارطلبانه خود را بر  
مراکز علمی حاکم کنند. ما ضمن محکوم کردن این شیوه‌های  
انحصارطلبانه اعلام می‌داریم که :

اولاً: "تغییر نظام آموزشی یک خواست مردمی و اسلامی بوده ، و  
یکی از ضرورت‌های جامعه ما در شرایط پس از پیروزی قیام  
می‌باشد. ولی اتخاذ شیوه‌های تفرقه‌انگیز و تصفیه نیروهای  
مردمی و انقلابی در دانشگاهها را کاملاً ارتجاعی دانسته و  
ناقض " اصلاح دانشگاهها " می‌دانیم. بقول امام علی (ع) :

" کلمه حق یراد بها الباطل "

" شعار و سخن حقی را مطرح می‌نمایند ولی منظور و هدف

باطلی را تعقیب می‌کنند." ..... - (۵۹/۱/۲۸)

و نیز هنگامیکه شورای انقلاب به تاکتیک پیحیسه‌ای  
مبادرت ورزید، انجمنها با هشاری کامل نسبت به آن و پیش-  
بینی حوادث و وقایع آینده، در اعلامیه خود بتاريخ ۵۹/۱/۳۱  
با تاکید بر حقوق سیاسی - صنفی دانشجویی، دانشگاهها را  
ترک کردند :

" انجمن‌های دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس -

عالی با تاکید بر حقوق قانونی، صنفی و سیاسی خود، برحسب  
اعلامیه مورخ ۵۹/۱/۳۰ شورای انقلاب به منظور ممانعت از  
هرگونه توطئه، مراکز خود را ترک می‌کنند. بدیهی است که ما  
پس از حضور در دانشگاهها و کلاسهای خود از روز سه‌شنبه  
مورخ ۵۹/۱/۲ کلیه مشکلات مربوط به فعالیت‌های صنفی و سیاسی  
حقه خود را با مقامات مسئول در میان خواهیم گذاشت....."

و پس از آن در عمل نیز، ضمن تاکید و ایستادگی بر حقوق حقه سیاسی، صنفی خود نسبت به ادامه توطئه مزبور هشیار بوده و منحمله در اطلاعیه‌ای بتاريخ ۵۹/۲/۸ مجدداً هشدار دادیم :

"..... بخوبی مشاهده کردیم که امریکای جنایتکار درست زمانی دست‌بکار حمله نظامی علیه ایران شد که انحصار طلبان داخلی، دانشجویان مبارز را در دانشگاه‌ها به خاک و خون کشیده و زیر پوشش انقلاب فرهنگی چماق‌داران و مزدوران آریامهری را روانه دانشگاه‌ها کردند تا فرهنگ‌زدانقلابی چماق و قمه را برسنگر آزادی حکمفرما سازند. در شرایطی که امریکای حيله‌گر مترصد هر فرصتی برای تهاجم به میهنمان است، حمله و هجوم به دانشگاه و مشغول نمودن مردم به درگیریهای داخلی و منحرف کردن افکار از دشمن اصلی مان نمیتواند جز در خدمت اهداف پلید امپریالیزم امریکایی باشد..... در روزهای اخیر نمونه‌هایی بوده که حاکی از ادامه توطئه توسط راستگرایان است. از جمله، دانشکده بازرگانی مهدی رضائی، مجتمع تکنولوژی انقلاب توسط این انقلابگران انحصارطلب تعطیل و دانشکده حقوق دانشگاه ملی، دانشگاه فارابی، دانشکده هنرهای تزئینی و چند جای دیگر در خطر تعطیل شدن قرار گرفته‌اند.

براستی با این اعمال آب به آسیاب چه کسانی ریخته میشود؟ چه نیروهایی سعی در خالی کردن این سنگرهای حریت و آزادی دارند؟ و بالاخره چرا به تحریکات و فتنه‌گریها و جنگ افروزیهای خود خاتمه نمی‌دهند؟....."

یادآوری و تاکید بر این نکات از اینرو است که در این جزوه می‌خواهیم مجزا از بیان نقطه‌نظرها و دیدگاه‌های خود در مورد انقلاب فرهنگی که در همان ایام، بدفعات و در اشکال



گوناگون و پس از آن نیز در هشدار اخیر خود در مورد به تعطیل کشانیدن دانشگاهها (بتاریخ ۵۹/۳/۳) اعلام داشته‌ایم به موضوع جدیدی پردازیم و آن، مواضع و عملکردهای گروههای مختلف دانشجویی همراه با تشریح مجدد مواضع و عملکردهای انجمنهای دانشجویان مسلمان و نگاهی به انتقادات گروههای دیگر است، اما همچنانکه در یکی از اطلاعیه‌هایمان (اعلامیه هشدار در مورد فتنه انگیزیهای راستگرایان از انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاهان صنعتی شریف) توضیح داده بودیم، شرح مواضع اصولی خود را که با گذشت زمان درست و واقع بینانه بودن تک‌تک آنها محرز گشت، به فرصتی مناسب موکول کردیم، چرا که علیرغم برخی نیروها در هر شرایط و موقعیتی مواضع دیگران را نقد نکرده و هر مسئله‌ای را طرح نمی‌نمائیم، زیرا عمیقا "اعتقاد داریم که روابط نیروها امری منتزع از عینیات اجتماعی و بخصوص وضعیت کلی جنبش نبوده و ما در خلأ و فضای خنثی مبارزه نمی‌کنیم، که بصری وجود انتقاد و اشکالاتی در حرکت و موضعگیری نیروها در هر موقعیتی مخصوصا" در اوج توطئه‌ها و فشارها علیه نیروهای انقلابی به بررسی و نقادی آنها پردازیم، چراکه در هر برخورد سیاسی و در هر موضعگیری در قبال نیروها معیار اصولی بودن اینست که در مجموع به تقویت جبهه" نبرد و نیروهای انقلابی بیانجامد و جنبش را ارتقاء دهد، لذا با چنین باوری اکنون با توجه به مجموعه اوضاع و احوال سیاسی بخصوص وضعیت دانشگاه، خود را ملزم به توضیح و شرح مواضع اصولی خود می‌دانیم، باشد که توانسته - باشیم بحثی خلاق و انقلابی را بدور از تنگ نظریها در محیط پاک دانشگاه انجام داده و با روشن نمودن ابهامات و نشان دادن واقعیتها راهگشا و زمینه ساز عمل انقلابی

در شرایط حساس و پیچیده کنونی باشیم .  
اگرچه این نکته لازم به توجه است که در بسیاری از انتقادات و نقدهای انجام شده متأسفانه بیش از آنکه انتقاد اصولی و روشن شدن واقعیتها مد نظر باشد، مواضع و انتقادات که بعضاً " بسیار ناصادقانه نیز می‌باشند، زائیده تضادهای درون تشکیلاتی و عدم انسجام سیاسی - تشکیلاتی این نیروهاست . بواقع، این انتقادات بمثابه سرپوشی بر ضعفها و تضادهای سیاسی - تشکیلاتی این نیروها چه بطور عام در صحنه سیاسی جامعه و چه بطور خاص ، در جریانات دانشگاه عمل می‌نماید .

### تحلیل ما از جریانات دانشگاهها

---

به اعتقاد ما ، جامعه ایران پس از گذران سالهای دراز دیکتاتوری وابسته به امپریالیزم و از سر گذراندن حاکمیت سرمایه داری وابسته ، در اوج آمادگی شرایط عینی و جوشندگی انقلابی قرار دارد، لذا همچنانکه بارها تأکید نموده ایم ، نیاز اصلی و مسئله اصلی انقلاب و خلق قهرمان ایران را بخصوص پس از قیام ۲۲ بهمن ماه ، عنصر ذهنی بمثابه شرط و عامل هدایت انقلاب در مسیر دراز مدت و پرفراز و نشیب ضد امپریالیستی - ضد استثماری اش می‌دانیم . و در شرایط اخیر اجتماعی، همپای بارز شدن ضعفهای طبقاتی واپس‌گرایان در حل تضادها و معضلات اجتماعی و نیز بارز شدن ماهیت ضد مردمی و ضد اسلامی آنان برای توده‌های تحت ستم ، ارتجاع در فاز سریع نزولی قرارگرفت و این در شرایطی صورت می‌گرفت که خلق ستم‌دیده و محروم ایران در پی تحقق

آرمانهای توحیدی و انسانی خود، بطور روزافزونی از فرزندان انقلابی خویش حمایت کرده است.

این رویارویی دوقطب ارتجاع و انقلاب، در پیروسه و روند اجتماعی خود هر لحظه به تعرض و خشونت بیشتر از سوی ارتجاع که بطور ملموس مرگ خویش را در رشد نیروهای انقلابی می‌دید، کشیده می‌شد، چنانکه اعمال فاشیستی و حملات سیستماتیک و ضرب و جرح و کشتارهای اخیر، این امر را بوضوح و روشنی هر چه تمامتر نشان داد. در چنین روندی، خط ارتجاع ناظر بر سرکوب نیروهای انقلابی و احراز حاکمیت سیاسی و نظامی بی‌چون و چرا بر جامعه گردید.

حمله به دانشگاهها و تحدید آزادیهای دمکراتیک حاکم بر محیط انقلابی و روشنگر دانشگاه، بلاشک از مدتها قبل مورد توجه ارتجاع بوده است. ارتجاع در این مقطع در پی تغییرات در تمام سطوح اجتماعی و سیاسی و مشخصا کودتای سیاسی برای احراز قدرت بود، کودتایی که بلاشک هدف اصلی آن رویارویی و تصفیه اساسی نیروهای انقلابی بود و برای این منظور تصرف و حمله به دانشگاهها به عنوان نقطه شروع در نظر گرفته شد. البته به اجرا درآمدن این توطئه شوم طبعا "از کانال تصفیه حسابهای درونی سیستم و حل تضاد موجود در آن می‌گذشت. همان تسویه حسابها و تضادهایی که در سرمقالات روزنامه انقلاب اسلامی و گفته‌های اخیر دکتر بنی‌صدر خود را نشان داد.

بنابراین توطئه ارتجاع صرفا "به دانشگاهها ختم نمی‌گردید، بلکه قصد و هدف اصلی، نیروها و سازمانهای انقلابی بوده اند، اگرچه شدت انحصار طلبی مرتجعین به هیچ نیروی دیگری هم امکان بدست گرفتن بخشی از حاکمیت را نمی‌دهد. این توطئه و هدف انحصارطلبان همچنانکه در

اظهار نگرانی برادر مجاهد مسعود رجوی مبنی بر تسویه مجاهدین در خردادماه متجلی بود، همچنان باقی است. بنا براین ما جریانات دانشگاه را بر اساس چنین تحلیلی مورد توجه قرار داده و بخصوص در اوان یورشها و حملات ارتجاعی به دانشگاهها مورد تأکید و هشدارهای مکرر قرار دادیم.

### مواضع و عملکردهای انجمن دانشجویان مسلمان در جریانات دانشگاه

---

انجمنهای دانشجویان مسلمان مدتها قبل از شروع جریانات دانشگاهها و همزمان با زمینه چینی توطئه اشغال دانشگاهها، تحت عنوان به اصطلاح انقلاب فرهنگی، با اطلاع کامل از چگونگی این توطئه و با برخورداری از تحلیل و خط مشخص از این جریان در صدد مقابله و مبارزه اصولی با این توطئه برآمدند و تا آنجا که زمینه ذهنی در دانشگاهها اجازه می داد، به اشکال گوناگون هشدارها و آگاهی های لازم را در مورد توطئه در شرف تکوین در دانشگاهها دادند. همزمان با لحظات آخر شروع توطئه و اشغال دانشگاهها اسناد و مدارکی که سیستماتیک بودن و عمق توطئه را که همان تصفیه دانشگاه از نیروهای انقلابی و نقطه شروع تصفیه های اساسی در سطح جامعه از سازمانهای انقلابی، بود، افشاء نمودند. افشاگری بموقع خواهران و برادران، آمادگیها و زمینه سازیهای کمی را بطور کیفی و اساسی میدل به هوشیاری و آمادگی و سازمان یافتگی سایر دانشجویان دانشگاهها نمود. خواهران و برادران ما در کلیه دانشگاهها در کمال

هوشیاری و سازمان یافتگی و با بسیج کلیه نیروها و امکانات بطور شبانه روزی به دفاع و حراست از دانشگاهها و مقابله با مرتجعین و توطئه‌های ضد دانشجویی آنها پرداختند، این مقاومت و حرکت انجمنهای دانشجویان مسلمان در پی تغییر تاکتیک پیچیده سیستم در قبال دانشگاهها که در پیام شبانه - شبشورای انقلاب تجلی می‌یافت، با هوشیاری انقلابی به تغییر تاکتیک مبارزه و اتخاذ تاکتیک اصولی و انقلابی - سرک دانشگاهها و تخلیه دفاتر مبدل گشت.

دستاوردهای مبارزه ما در جوهر خویش پیروزی نسبی در مقابل توطئه‌های دامنه دار ارتجاعی بود، چراکه افشای اسناد توطئه اشغال دانشگاهها در اوان حرکت ضربه اساسی را به آنها وارد نمود و به آگاه شدن عناصر صادق آنها منجر شد. بطوریکه بعلت همین آگاهیها و هوشیاریهای اقشار مختلف دانشجویی این توطئه در بسیاری موارد غیرقابل اجرا ماند و آنچه که انجام شد بسیار محدودتر از آن حدی بود که قرار بود برسر نیروهای انقلابی آورده شود.

این ضربه اگرچه درحد نیروهای عمل کننده تأثیرات فلج کننده‌ای گذارد ولی ارتجاع را از جبران شکست و انجام توطئه باز نداشت.

انحصار طلبان که قصد داشتند تصفیه و پاکسازی را در دانشگاهها توسط بعضی از افراد انجمنهای اسلامی انجام داده و آنرا با عنوان عوام فریبانه‌ای که داشت، حرکت درون جوش جلوه دهند با افشاء حرکت ضد دانشجویی خود در اوان حرکتش مجبور شدند صریحا و آشکارا بمیدان آیند. و جهره کریه خود را در حملات آشکار او باش سازمان یافته و بسیج شده در خلال مطالب رسوای روزنامه‌های معلوم الحال چون جمهوری اسلامی و آزادگان و برنامه‌های عوام فریبانه و سیستماتیک ضد دانشجویی و دانشگاهی

رادیو و تلویزیون و... بنمایانند.  
بهرحال حرکت دانشجویان و مقاومت آنها از این بعد  
مهم که توطئه ارتجاع را در ادامه و تعمیص به کل جامعه  
در نطفه عقیم گذارد، پیروزی نسبی و شایان توجهی محسوب  
می‌شود و دانشجویان در مبارزه خویش بطور نسبی پیروز  
گشتند.

تحلیل ما چه بود؟ چرا مقاومت کرده؟  
و چرا در موقع مناسب تاکتیک ترک  
دانشگاه را اتخاذ نمودیم؟

انجمنهای دانشجویان مسلمان با برخورداری از اطلاعات  
و تحلیل مشخص از توطئه و ماهیت سرکوبگرانه به اصطلاح  
انقلاب فرهنگی دست به مقاومتی انقلابی و اصولی در حراست  
از دانشگاههای سراسر ایران زدند تا سنگر آزادی را  
از توطئه‌ها و دسیسه‌ها حراست کنند.  
بلاشک در چنین شرایطی که عملی ضد دانشجویی در دانشگاهها  
نوسط عده‌ای اوباش و چماقدار صورت گرفت، مقاومت  
دانشجویان بیش از پیش مشروعیت داشته و آگاهی‌بخش بود.  
همچنین زمینه‌ای هم در دانشگاهها وجود نداشت که  
انحصار طلبان قدرت بسیج توده‌ها را در مقابل دانشجویان و  
دانشگاهها داشته باشند و ما چنانکه در دانشگاههای تربیت  
معلم و علم و صنعت نشان دادیم، قادر بودیم مهاجمین را در  
انجام توطئه‌هایشان ناکام گذارده و مقاومت را بدلیل  
نامشروع و غیرقانونی بودن عمل مرتجعین تا سرحد امکان  
ادامه دهیم.

## پیام شورای انقلاب مبنی بر تعطیلی رسمی دانشگاهها و تخلیه دفاتر و تغییر تاکتیک ما

ما اعتقاد داشتیم که مقاومت‌های ما در مقابل توطئه‌های ارتجاع، مضمونی دقیقاً "سیاسی" (و نه مکانیکی) داشته و بایستی متناسب با تغییر تاکتیکها و شرایط مشخص از سوی انصار طلبان، شکل و تاکتیک مناسب خود را بیابد و از هرگونه برخورد سطحی و دُکم بدور مانده و در اوج ظرافت و پیچیدگی اش توطئه را در هر مرحله ناکام گذارد.

به اعتقاد ما، پس از مقاومت چندین روزه دانشجویان در دانشگاهها و ناکام ماندن راستگرایان در انجام توطئه - همایشان، جریان عملاً" به جایی رسید که با به اصطلاح قانونی شدن تخلیه دفاتر دانشجویی، کانال و زمینه عینی جهت رودر رو قرار دادن مردم ناآگاه با دانشجویان وسیع توده‌ها به دانشگاهها ایجاد شد، تا توطئه را از کانال سوء - استفاده از نام مردم و امکان بسیج توده‌ای انجام داده و ختم نمایند و با چنین عملی و پشتوانه بوجود آمده، طرح را به اجرا درآورند و عملاً" درگیری را به سطح جامعه بکشانند، چنانکه این امر از تأکیدیاتی که بر یکسره کردن کار توسط مردم می‌شد، بر هر جریان انقلابی و آگاهی آشکار بود.

بنابراین به اعتقاد ما در این شرایط که چنین تاکتیک پیچیده‌ای اتخاذ شده بود، می‌بایست ما نیز در کمال هوشیاری تاکتیکی را اتخاذ نمائیم که محافل و جناح‌های ارتجاعی را که سعی داشتند با دامن زدن به قضا، جریان را بنفع خود تغییر دهند، در این مرحله نیز ناکام گذاریم و این جز از طریق عقب نشینی تاکتیکی - و هوشیارانه عملی نبود. چرا که پس از اعلام رسمی و قانونی تعطیلی دانشگاه، از همان لحظه در بیانیه دوم شورای

انقلاب ، می‌توانستند تجاوز و تعارض خود را با پشتوانه قانونی و رسمی به دانشگاه و دانشجویان شدت بخشیده و متعاقب آن مردم را تحریک کرده و رودر روی دانشجویان قرار دهند. با توجه به اینکه صحنه اصلی جنگ "دانشگاه" و " به تعطیل کشاندن " آن بود، لذا عقب‌نشینی تاکتیکی از سنگر حضور دو روز در دانشگاه نه تنها در مجموع حرکت عقب‌نشینی و ضعف و تسلیم طلبی و ... محسوب نمی‌شود بلکه از آنجا که بطور استراتژیک دست مرتجعین را می‌بندد و زمینه تهاجم را از بین می‌برد، مناسبترین تاکتیک محسوب می‌شود.

بنابراین به اعتقاد ما، این تاکتیک و شیوه عمل صحیح‌ترین و اصولی‌ترین مقاومت و مبارزه در آن شرایط بوده و مضمون انقلابی خود را در تاکتیکهای مناسب دیگر مبارزه ، حفظ و تداوم می‌بخشید، ما در بررسی انتقادات و نقد و مواضع سایر نیروهای دانشجویی نشان خواهیم داد که در مجموع، هیچ راه دیگری غیر از آنچه برادران و خواهران ما هوشیارانه انجام دادند، وجود نداشت، کما اینکه در عمل نیز آثار و نتایج مخرب و زیانبار سایر مواضع چپ‌روانه و خودبخودی را مشاهده کردیم .

بواقع، این مسئله که دانشجویان در قبال این موج و هجوم ارتجاع بسیاری از امکانات و لوازم صنفی خود را از دست خواهند داد برای همه دانشجویان محرز و مسلم بود. لذا هرگونه برخورد خشک و دگم با امر مبارزه و عدم درک و توجه به شرایط و پارامترهای سیاسی و تاکتیکهای طرف مقابل عملاً و جبراً ما را به وادی و مسیر مورد دلخواه ارتجاع می‌کشاند و این تهدیدی جدی بر تداوم اصولی جنبش دانشجویی بود که می‌بایست هوشیارانه و قاطعانه درک و



جلوگیری می‌شد که در تصمیم قاطعانه انجمنهای دانشجویان مسلمان تجلی و تبلور یافت.

### مواضع نیروهای دانشجویی :

نیروهای مختلف دانشجویی، هرکدام بنا بر ماهیت و مواضعشان، خط و تاکتیکهای خاص خود را در جریان‌ات دانشگاه دنبال نمودند.

عناصر و جناح‌هایی از انجمن‌های اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان که اساساً نقش محوری را در جریان‌ات و وقایع دانشگاه داشتند عملاً بیش از پیش در موضعی راست‌گرایانه و انحصارطلبانه قرار گرفتند و از هیچ عملی و اقدامی در تحقق به اصطلاح انقلاب فرهنگی شان از طرح و زمینه‌چینی توطئه اشغال دانشگاهها در ابتدا گرفته، تا زمینه‌چینی و برنامه‌ریزی حملات به دانشگاهها با همکاری بعضی کمیته‌ها و فالانژهای شناخته شده فروگذار نکردند، بطوریکه در عرض چند روز اعمال ماورای ارتجاعی و ضد دانشجویی بعضی از آنها عملاً صفوف برخی از نیروهای صادق مذهبی را از آنان جدا نمود. این راست‌گرایان در ادامه حرکات ضد دانشجویی خود که هتداف اصلی و محوری اش تصفیه نیروهای انقلابی و تحدید آزادیها بود، با انواع و اقسام حادثه‌سازیها و تشنج‌آفرینی‌ها، سعی در به تعطیل کشاندن دانشگاهها نمودند.

دانشجویان دمکرات نیز به پیروی از سیاست حزب!! و در ادامه مشی سازش‌کامل با ارتجاع در قبال این مسجوع ارتجاعی عموماً "سیاست سکوت و انفعال و بعضاً" تأویل و تفسیرهای کودکانه‌ای را در پیش گرفتند و در ابتدا جریان‌ات دانشگاه و تشنج‌آفرینی و حادثه‌سازیهای مرتجعین را کار

عوامل سیا و ساواک و چپ‌نماها؟ و ضدانقلاب‌ها؟ قلم‌داها - کردند و با کلی گوئیهای خود ارتجاع را تطهیر نمودند، دانشجویان دمکرات هرگز در هیچ شکلی در کنار دانشجویان انقلابی قرار نگرفتند.

برخلاف اپورتونیستهای راست دمکرات مآب!! اپور م تونیستهای چپ نما و دانشجویان هوادار سازمان پیکار و دانشجویان مبارز و ... که همیشه در رؤیای جنگ و درگیری با سیستم و انقلاب ثانوی با عملکردهای چپ‌روانه و بچگانه عملاً آب به آسیاب ارتجاع ریخته‌اند، در جریان‌ات دانشگاه نیز عمدتاً در درگیریهای دانشگاه حضور یافته و چه در امر مقاومت و دفاع در مقابل فالتزیستها و چه در درگیریهای مقابل دانشگاه تهران، نقش مخربی را ایفاء نمودند. اپورتونیستها چون همیشه و در ادامه سیاست‌های مورد طبع ارتجاع، در این ۱۵ ماه به تنها چیزی که نمی‌اندیشند، شرایط، تاکتیک، ذهنیت مردم و ... است. آنها همواره دامن زدن و حادکردن هر تضاد و حل مقطعی آنها بنفع انقلاب می‌دانند، عمل اینان در عصر روز ۲شنبه و ادامه اش تا روز سه شنبه مستقیماً به نفع ارتجاع و سرکوبگران بوده و حاصل تمامی تلاشهای ما و سایر دانشجویان را بترباد می‌داد، این سیاست بیمارگونه بشدت و قاطعیت می‌بایست افشاء و طسرد می‌گشت، چراکه در جوهر خود جز بنفع ارتجاع و به ضرر مطلق جنبش دانشجویی نبود.

دانشجویان پیشگام که ابتدا هشدارهای انجمن را جدی نگرفته و بعضاً استدلال می‌کردند که این حرفهای انجمن دانشجویان مسلمان بعلت اینست که آنها همیشه ارتجاع را خطری اصلی میدانند، پس از مشاهده چماق ارتجاع برسر دانشگاه خطر را تشخیص داده و به مقاومت پرداختند، اما بدلیل عدم

برخورداری از تحلیل مشخص از جریان‌ات دانشگاه در عمل و ادامه حرکت بطور خودبخودی دنباله‌روی از اپورتونیستها دچار گشتند، بواقع پیشگام راه هواداران پیکار و مبارز و راه‌کارگر ... را رفت، و در دامی که ارتجاع گسترده بود گرفتار شد و تا خطر را در چند قدمی خودش ندید، مرز خود را با پیکار مشخص نکرد.

اگرچه همان‌طور که گفتیم دانشجویان پیشگام از تحلیل مشخص و واحدی در دانشگاه‌های مختلف و حتی یک دانشگاه خاص برخوردار نبودند و حتی در دانشگاه‌هایی از جمله پلی‌تکنیک و تربیت معلم پس از اولین حملات و پیش‌از فرارسیدن شب‌به‌شب ترک دانشگاه مبادرت ورزیدند. اما این چپ‌روی و دنباله‌روی از اپورتونیستها توسط پیشگام مرکزی و در جریان‌ات دانشگاه تهران خود را بارز نمود. مواضع و عملکردهای دانشجویان دمکرات و هواداران پیکار بعلت مواضع اپورتونیستی‌شان، لزومی به بحث ندارد و مابه بررسی مواضع پیشگام می‌پردازیم، بخصوص که در جزوه منتشره پیشگام مواردی آمده است که خود را ملزم به جوابگویی میدانیم. دانشجویان پیشگام در عمل نتوانستند بطور واقع بینانه تحلیل مشخصی از تاکتیک جدید ارتجاع داشته باشند و لذا تصمیم آنان مشخصاً " بطور خودبخودی در رابطه با جو اتخاذ گشت و در عمل به دنباله‌روی از مواضع چپ‌روانه اپورتونیستها کشیده شدند. دانشجویان پیشگام استدلال میکنند (رهنمود سه ماده‌ای سازمان دانشجویان پیشگام) که ما ضمن ادامه مقاومت در مقابل فаланژها و حزب‌الهی‌ها و باندهای سیاه و پاسداران مقاومت می‌کنیم و در مقابل توده‌های بسیج شده به کنار توضیحی مبادرت می‌ورزیم.

دانشجویان پیشگام این مسئله را درک نکردند که اصل مسئله بسیج شدن مردم در مقابل دانشگاه‌هاست و وقتی این



امر در اثر تاکتیک آنها بوقوع پیوست، دیگر آن ارتجاع خواهد بود که ابتکار عمل را در دست گرفته و آنها قادر به رویارویی و کار توضیحی و..... نخواهند بود، بلکه همانطور که دانشجویان پیشگام پلی تکنیک گفته اند در میان آنها ایادی حزب جمهوری و برخی از کمیته چپها و باندهای سیاه خواهند بود که به درگیریها شدت خواهند داد، مردم تحریک شده و ضدیت هایی که در اوج هیستریک قرار می گیرند وقتی که بسیج می شوند، صرفاً " برای پاکسازی دانشگاه می آیند نه برای شنیدن توضیحات شما!!" و چه مکانیکی فکر می کردند کسانی که خواهان مردم و توده های بسیج شده بودند تا برایشان کار توضیحی کنند.

اصل مسئله که در ذهنیات دانشجویان پیشگام، بهائی بدان پرداخته نمیشود، این مهم است که ما وقتی به رودروئی با مردمی که بشدت در جودیت و هیستریک قرار داده شده اند کشیده شدیم، توطئه مورد خواست ارتجاع تحقق یافته است و اینجاست که فاجعه آغاز می شود ( همان شدت بخشیدن به درگیریها و کشاندن دامنه آن به جامعه و سازمانهای انقلابی ) .

ما از دانشجویان پیشگام سوال می کنیم که چرا روز یکشنبه تا عصر دوشنبه تاکتیک خود را صحیح میدانید و از ساعت چهار بعد از ظهر دوشنبه ادامه آن تاکتیک را غلط و نادرست می شمارید؟ آیا پارامتری در این ساعت وارد شد؟ و یا آن ساعت بود که شما متوجه حساسیت موضوع شدید و تا قبل از آن، تحلیل واقعی از اوضاع نداشتید .

ما سوال می کنیم که در عصر دوشنبه مگر آنها کسسه دانشگاه را به خاک و خون کشیده بودند و سیر نمی شدند و بی صبرانه انتظار لحظات دیگری را برای یکسره کردن کار می کشیدند مگر جز فالانژها و باندهای سیاه و بعضی کمیته -

چیها بودند ؟

آیا جز این بود که پیشگام در آن لحظه بود که حلقهٔ محاصره را مشاهده کرد ؟ و متوجه شد که تازه مهاجمین تمایل دارند که پیشگام را تا صبح در مرکزشان نگه دارند ؟ ما سردم را بدانجا بکشانند ؟ آیا علت جز این بود که پیشگام در عمل و پراتیک مشاهده نمود که : توده‌ها وقتی به مقابل دانشگاه می‌آیند با فکری مسموم و تحریک شده می‌آیند ؟

آیا با چنین موج هیستریکی کار توضیحی امکان پذیر بود ؟ آنهم در شرایط عدم امکان جمع‌آوری و بسیج نیروها - یشان و اشکالات تشکیلاتی شان ( بگفته خود پیشگام ) و درحالی که اطراف آنها را هاله‌ای از فالانژهای تشنه بخون دانشجویان گرفته‌اند ؟

اینجاست که به هنر تحلیل صحیح پی می‌بریم در واقع اگر تحلیلی از پیش‌بینی شرایط و اوضاع آینده تهی باشد و آنرا نبیند چه درد می‌خورد ؟ و آیا این درست است که وقتی در محاصره قرار گرفته و طناب‌بگردنمان پیچیده شد آنوقت شرایط را درک کنیم ؟ و اینجاست که به صحت تحلیل انجمن دانشجویان مسلمان پی می‌بریم ، چرا که ما بدنبال اطلاعیه دوم شورای انقلاب مبنی بر ترک هر چه سریعتر دانشگاهها دوشنبه شب و سپردن امر تخلیه دانشگاهها به کمیته‌ها ، دقیقا " شرایط عصر دوشنبه تا صبح سه‌شنبه و بعد از آن را پیش‌بینی کرده بودیم . والا قبلا " هم شورای انقلاب اطلاعیه داده بود منتها با این تفاوت که سه روز مهلت داده شده بود در حالیکه در این اطلاعیه برای جلوگیری از درگیری به تخلیه فوری دانشگاهها تصریح شده بود . بنابر این با درک مساله اصلی مبنی بر خنثی کردن توطئه به تعطیل کشاندن دانشگاهها

برای پیشگیری از قرار گرفتن در دامیکه پیشگام در آن قرار گرفت تصمیم به ترک دانشگاه گرفتیم . این است که ما می‌گوئیم تحلیل مشخص از شرایط مشخص شعاری توخالی نیست و مقاومت مضمونی سیاسی داشته و صحت و درستی آن در ارتباط با خط مشخص و اصولی که منطبق با شرایط عینی و آبژکتیف جامعه است روشن میگردد .

اینجاست که خط و تحلیل ذهنی و نامنطبق با واقعیات در عمل و پراتیک به بن بست می‌انجامد و پیشگام به تلبه می‌افتد . و اگر نبود چاره‌سازیهایی ما و تضادهایی که در آن مقطع عمل کرد شاهد قتل عام هواداران پیشگام در صبح سه شنبه بودیم . ما بارها تأکید کردیم که خطر اصلی در این شرایط ، بسیج شدن توده ها در مقابل دانشگاه و رو در روئی مردم با دانشجو و اوج گرفتن دامنه درگیریها توسط فالانژها است . و گفتیم که بایستی این امر را با حرکتی مناسب ولو عقب‌نشینی تاکتیکی متوقف کرد والا نگاه که توده‌ها تحریک شده و هیستریک به مقابل دانشگاه بسیج شدند و آنگاه که فالانژها و برخی از کمیته‌چی‌ها پشتوانه رسمی و قانونی خود را در سرکوب و درگیری یافتند، دیگر ابتکار عمل از دست دانشجویان خارج خواهد گشت و در عمل نیز دیدیم که چنین شد و پیشگام با درک فاجعه‌ای که تا سینه در آن فرو رفته بود، به عقب‌نشینی کردن نهاد .

پیشگام مرکز فقط و فقط به حرکت خودبخودی تجمع‌کنندگان در ۱۶ آذر بنای مقاومت را گذارد و مجاورت دفاتر پیکار و راه کارگر ... این مسأله را شدت بخشید . آنان در شرایطی که بسیاری از نیروهایشان در فضا و جو خودبخودی و چپ‌روانه ۱۶ آذر از اختیارشان خارج شده و دنیال‌رو تاکتیکی‌های چپ‌روانه اپورتونیستها شده بودند، عملاً به مقاومت و

درگیری در ۱۶ آذر کشانده شدند . ریشه چنين برخوردی را از پیشگام ، ما بر کم بها دادن به تحلیل مشخص از شرایط وعدم اجتناب از تحلیل های عام و کلاسیک که مبتنی بر عدم درک ویژگی این شرایط است میدانیم و ما همواره بر آن عنوان تهدید جدی این مرحله ، تاکید کرده ایم . حتی در مورد تاکتیک ها نیز بایستی بر ذهنیات ( و یا توهمات ) توده ها تکیه کرد ، نه بر تمایلات و خواسته های روشنفکری ، زیرا هدف های اجتماعی مورد نظر از هر تاکتیک ، بر بنیاد زمینه های اجتماعی که با خواست توده ها تجلی می یابند وصول پذیر خواهد بود والا ذهنیتهای حاکم بر تفکرات روشنفکری در برخورد با واقعیتها فرو می ریزند . بر این اساس است که ما بارها گفته ایم که در شرایط پیچیده ، فعلی جامعه مان تکامل و رشد نیروی ذهنی و آگاهی توده ها ، پروسه ای است و توهم توده ها در پروسه ای انقلابی شکفته خواهد شد . بهر حال ما این حقیقت را در عمل و پراتیک پس از جریانات دانشگاه تهران در تحلیل دانشجویان پیشگام پلی تکنیک مشاهده نمودیم که در واقع و در جوهر خود ، رد تاکتیک خود دانشجویان پیشگام می باشد :

"... اینجاست که حاکمیت به مردم رو می آورد و با استفاده از توهم توده ها سعی می کند خود را در پشت و مردم را در پیش قرار دهد و توده ها را به رویا رویی با دانشجویان بکشاند . . . . . وظیفه نیروهای انقلابی چیست ؟ آیا باید همچنان بدون آنکه با افشاگری وسیع و بلند مدت ، سعی در تغییر ذهنیت توده ها و روشنگری وسیع در بین آنها کنند ، به مقابله با مردمی که در طول یک هفته مواجه با تبلیغات وسیع از طرف همه ارگانهای تبلیغاتی بوده اند کشانده شوند ؟ . . . . . باید شرایط عینی مبارزه طبقاتی را بطور مشخص تحلیل

نمود .

آنان ( هواداران پیکار ..... ) دقیقا " درک آنارشیستی خود را از مبارزه به نمایش گذارده و بار دیگر آشکار ساختند که در مبارزه تنها چیزی که برای این رفقا مطرح نیست توده‌ها و ذهنیت آنهاست ..... آنها قادر به درک این مساله نیستند که هر حرکت ما از کانال ارتباط هر جنبه عمیقتر جنبش دانشجویی و جنبش توده‌ای میهن ما می‌گذرد این رفقا هر چند که در تئوری می‌پذیرند نباید مقابله توده‌ها قرار گرفت در رهنمودهای عملی خود عملا" در مقابل توده‌ها قرار می‌گیرند....."

( به نقل از اعلامیه پیشگام پلی تکنیک : " موضع ما و دیگر نیروها در جریان مقاومت دانشگاه " )  
پیشگام پلی تکنیک خود غیر عملی بودن رهنمود کار توضیحی ( رهنمود پیشگام مرکزی ) برای مردم بسیج شده را تاءکید می‌کنند .

" باید در آن ساعت لحظه‌ای بیرون ۱۶ آذر را می‌دیدند و مردم را می‌دیدند و مهارت شورای انقلاب و حزب جمهوری و بنی‌صدر را در فریب و تحریک مردم را هم می‌دیدند آنگاه از آمدن مردم در فرادی آنروز و توضیح دادن برای آنها و سپس عقب نشینی صحبت می‌کردند ..... آنها برای حمله کردن و بیرون ریختن ( به اصطلاح خودشان جا رو ب کردن کمونیستها می‌آمدند ) و شما را مجالی برای توضیح دادن نبود . مگر شما ( هواداران پیکار ..... ) نمی‌دانستید که این مردم را تنها نمی‌فرستند در میان آنها ایادی حزب جمهوری اسلامی ، کمیته‌چی‌ها و باندهای سیاه حرکت خواهند کرد .... شما چگونه می‌خواستید برای توده‌هایی که شدیداً " تحریک شده بودند توضیح دهید ؟ .... تنها کسانی که شیوه مبارزه را



مطلق می‌کنند از درک دیالکتیکی شرایط عاجز می‌مانند " .  
می‌بینیم پیشگام تمام استدلالهایش بررد تاکتیک چپ -  
روانه اپورتونیستی که به تجربه خود در عمل بدان رسیده  
در درجه اول در مورد تاکتیک چپ روانه خودش صدق می‌کند  
چرا که پیشگام نیز این تاکتیک غلط را تا نیمه راه آمده  
و به دنبالش کشیده شده بود . پیشگام نیز در عمل بسه  
مقابله ورود رروئی کشیده می‌شد و عملاً "زمینه ساز بسیج  
مردم در مقابل دانشگاه می‌گشت .  
چنین در " چپ روی بیماری کودکی " می‌گوید :

" قبول نبرد در شرایطی که این امر مسلماً بسود  
دشمن تمام خواهد شد ، نه بسود ما ، در حکم جنایت است  
و آن سیاستمداران طبقه انقلابی که برای شانه خالی کردن  
از زیر بار نبردی که مسلماً " صرفه ندارد ، قادر به مانور  
و سازشکاری و مصالحه نیستند به هیچ دردی نمی‌خورند " .  
براستی دانشجویان پیشگام اگر آنچنان که در صفحه ۳۴  
از جزوه تحلیلی شان می‌گویند فراخوان هواداران پیکار مبنی  
بر تمرکز نیروها از دانشگاه تهران را درست ندانسته و انتقاد  
می‌کنند ، و اگر تحلیل مشخصی از آینده آنارشیستی و خود-  
بخودی آنان داشتند چرا نیروهایشان را هوشیارانه متمرکز  
نکرده و عملاً " به دنباله روی از آنها کشیده شدند ؟ اگر  
این تحلیل را که در صفحه ۱۶ جزوه گفته‌اند قبل از تجربه-  
شان می‌دانسته‌اند چرا در عمل چنین شد ؟ " هرگز نباید  
فراموش کنیم که این بسیج نه برای حتی یک قدم عقب‌نشستن  
در مقابل حاکمیت یعنی حفظ دفاتر به هر قیمت بلکه می‌باید  
برای مبارزه سیاسی و تبلیغ اهداف خود ، افشای نیات  
حاکمیت و جلب حمایت مردم در دفاع از دانشجویان انجام  
گیرد و مقاومت در دانشگاهها و دفاتر مرکزی نیز اگر جز

این هدفی را دنبال می‌کرد ، درکی بغایت انحرافی بود مگر اینکه سودای روشن کردن انقلاب از خیابان ۱۶ آذرا را در سر می‌پرورانندیم".

از پیشگام با چنین استدلال باید پرسید که شما با چنین نگرشی به حرکتتان پس چرا ماندید ؟ چه هدفی داشتید؟ این است که می‌گوئیم مقاومت مکانیکی در مورد پیشگام نیز صدق می‌کند و در عمل به دنباله روی اپورتونیستی کشیده شدن و رو در رو با مردم قرار گرفتن و به درگیری ناخواسته کشیده شدن همین است .

### بی اساس بودن انتقاد پیشگام به انجمن دانشجویان مسلمان

پیشگام تضاد فاحشی در تحلیلش در صفحات ۱۷ و ۱۲ جزوه بچشم می‌خورد که اساساً " انتقاد آنها را به انجمنهای دانشجویان مسلمان بی‌اساس می‌سازد .

در صفحه ۱۷ از جزوه در انتقاد به هواداران پیکار می‌گویند: با بکار بردن این اصل که هر قدمی که نیروهای انقلابی جلو بگذارند ارتجاع یکقدم عقب خواهد نشست و هر قدمی که به عقب‌نشستند ارتجاع یکقدم یورش خواهد آورد نشانه درک ناروشن از بکارگیری تاکتیک می‌باشد آنچه کم ما در اتخاذ تاکتیک می‌دانیم اینست که ذهنیت و سطح مبارزاتی توده‌ها ، شرایط مشخص حرکت و تاکتیکهای دشمن باید محاسبه شود . تفکر رفقا ( هواداران پیکار ) تاکتیک را با یک عمل ساده همطراز می‌کند و در عمل ضربات سنگینی بر مبارزات توده‌ها وارد آمده و باز هم خواهد آورد" سپس پیشگام در صفحه ۱۳ جزوه در رد مشی راست روانه ! انجمن

استدلالی عکس‌انچیزی که فوقاً آمده می‌کند: "انجمن ایمن اصل مهم را در نیافت که انفعال و در پیش‌گرفتن یسک سیاست‌راست‌روانه برای احتراز از تشدید جو سرکوبگرانه نه تنها چنین جوی را کاهش نخواهد داد بلکه مشخماً" به **تحکیم و تقویت آن منجر می‌گردد!** این استدلال پیشگام برای **راست‌روانه تلقی کردن تاکتیک انجمنها چقدر با استدلال صفحه ۱۷ تضاد دارد؟ آیا پیشگام تنها برای تخطئه تاکتیک اصولی انجمنها به این استدلال استناد نکرده؟**

جالب اینکه پیشگام خود به این تاکتیک راست‌روانه! و البته در جوهر خودش واقع‌گرایانه که از چندروز پیش‌مورد تأکید انجمنها قرار گرفته بود در عمل می‌رسد: "ما از ساعت چهار و پس از تشدید حملات مسلحانه‌ای که توسط پاسداران و باندهای سیاه انجام گرفت..... تصمیم به بیرون‌کشیدن نیروها از دانشگاه گرفتیم براساس خبرهای موثق مشخص بود که پاسداران نیروهای بسیار زیادی را بسیج کرده و واحدهائی از آنها قصد کشتار دارند. باندهای سیاه به تحریک مردم پرداخته و سعی داشتند جو را هرچه بیشتر متشنج نموده و درگیری را دامن زنند (صفحه ۱۸ از جزوه پیشگام)..... آنجا دیگر نه تصمیم آگاهانه بلکه موج جمعیت‌وگلوله‌های پاسداران تعیین‌کننده بود.... ادامه جو تحریک‌کننده (که مشخماً "سیاست حزب جمهوری اسلامی بود)....."

پیشگام در عمل به تمامی هشدارها و تاکیدات و تحلیل انجمنهای دانشجویی می‌رسد آنها در عمل دیدند که دیگرانتکار عمل نه در دست آنها بلکه در دست فالانژهاست، آنها درک کردند که باندهای سیاه با بسیج نیروی فراوانی قصد کشتار و افزودن تشنج (همان‌تکمیل توطئه‌ها که ما می‌گوئیم) را دارند همچنین پیشگام در عمل درک نمود که در تاکتیک و خط

انحرافی و چپ‌روانه خود دیگر طرف مقابل است که ابتکار عمل را بدست می‌گیرد. پیشگام در شرایطی که به انحرافی بودن تاکتیک در عمل رسید، دچار اشتباهات فراوانی که نشانگر عدم وجود تحلیل و خط مشخص سیاسی است، گشت. آنها به شیوه‌هایی برای عقب‌نشینی و فرار از مهلکه دست‌یازیدند که اگر بفرض انجمنها چنین اعمالی را مرتکب می‌شدند، اساساً و بیکباره از جبهه خلق ... خارج گشته بودند!!

پیشگام وقایع عصر دوشنبه تا صبح سه‌شنبه را در جزوه خود بهیچ وجه منعکس نمی‌کند چرا که در آنصورت باید عمل مذاکره با لیبرالها را که در خط خودش توجیه‌ناپذیر است، توضیح دهد.

ما در اینجا از پیشگام سؤال می‌کنیم که چرا وقایع بعد از دوشنبه تا صبح سه‌شنبه را در کتاب خود نیاورده‌است و ما احساس می‌کنیم که این یک عمل ناصادقانه است. آیا واقعا "صرفاً" مذاکرات پیشگام با مقامات بخاطر تضمین آزادیهای سیاسی بود؟ تا آنجا که ما می‌دانیم مسأله پیشگام در عصر دوشنبه این بود که برای خروج از ۱۶ آذر تضمین نداشتند و احساس می‌کردند که فالانژها درحین تخلیه حمله خواهند کرد و افراد نمی‌توانند سالم محل را ترک کنند. بنابراین از مقامات تضمین می‌خواستند که درحین تخلیه فالانژها به آنها حمله نکنند (چیزیکه کاملاً هم درست بود و تصمیم باندهای سیاه و فالانژها این بود که به این ترتیب به پیشگام حمله کنند و مسلماً انتظارکشتار های وحشیانه می‌رفت).

چرا پیشگام جریان آمدن اتوبوس‌های شرکت واحد برای انتقال سریعتر جمعیت و مصون ماندن از حملات مهاجمین را

بیان نکرده است و یا جریان ستاد تخلیه؛ که با شرکت نماینده رئیس جمهور و نماینده پاسداران و با حضور آقایی فرخ نگهدار تشکیل شد، در کتاب پیشگام نیامده است؟ چرا پیشگام این حقیقت را که محاصره کنندگان راضی بودند که دست از محاصره بردارند و میخواستند با طولانی کردن بحثها در ستاد تخلیه وقت کشی کنند تا صبح فرا برسد را بیان نکرده اند؟

و چرا پیشگام از این مسأله بطور کلی و سریع گذشته است که در مقاومت خویش و حرکت خویش از بعد از ترک دانشگاه توسط انجمن تا عصر دوشنبه به چه نتایجی رسید؟ اگرچه در صفحه ۱۵ اقرار می کند که حاکمیت با توجه به تبلیغات عوامفریبانه و سوء استفاده از توده های مردم توانست بسیاری از آنان را بر علیه دانشجویان انقلابی و مبارزه آنان برانگیزد.

و برآستی هم سیستم تنها و تنها در پرتو اشتباهات محض و چپ روی های روز یکشنبه تا صبح سه شنبه بود که قادر شد توده ها را بر علیه دانشجویان بسیج کرده و به لوٹ نمودن مقاومت آنان در مقابل توطئه های ارتجاع موفق شود. بنابراین در نهایت، این مسأله برای پیشگام می ماند که علیرغم همه انتقاداتشان به اپورتونیستها در عمل بین حرکت آنها و اپورتونیستها بطور ماهوی چه فرقی بود؟ چرا ماندند؟ چه هدفی داشتند؟ و به چه نتایجی رسیدند؟

بنظر ما ارزشمندترین نتیجه این جریانات، پی بردن به اعمال و خطوط چپ روانه و خشک مغزانه اپورتونیستها بود که دانشجویان پیشگام در عمل تجربه کردند و در جزوه تحلیلیشان نیز منعکس نمودند. در بررسی مواضع پیشگام، بی اساس بودن بسیاری از انتقادهای آنان به تاکتیک انجمنها روشن گشت.

اما لازم به تذکر است که در انتقادات پیشگام، تصادق‌های بسیاری بچشم می‌خورد که بیش از پیش ما را به تعجب وامی‌دارد دانشجویان پیشگام حتی مارک فرصت طلبی را به ما که به اقرار آنها نقش بارزی در عقیم گذاردن توطئه‌های مرتجعین داشتیم، زدند.

آنها بطور منتزع و جدای از سابقه مواضع ما در مجال و پیشتر از آن در قبال امپریالیسم و ایادی وابسته و ارتجاعی آنها ما را سازشکار قلمداد کردند، همان مارکی که خود نیز از خوردن آن از سوی چپ‌روها و اپورتونیست‌ها متعجب و نالانند، همان مارکی که همان شب اعلان تغییر تاکتیک انجمن و قبل از شنیدن تحلیل و علل تاکتیک ما از سوی برخی دانشجویان پیشگام به ما زده شد. اینست که در مقدمه گفتیم انتقادهای صورت گرفته بیش از آنکه ماهوی واقعی و مسئولانه داشته باشند، علل دیگری ورای اینها داشته و به ضعفها و نارسائیهای سیاسی - تشکیلاتی و به تضادهای موجود در این نیروها برمی‌گردد. به عنوان مثال، پیشگام می‌گوید "انجمنها طی چند روزی که در دانشگاهها بوده‌اند ...." "براستی برای هر دانشجویی تعجب‌آور است که تلاش شبانه‌روزی برادران و خواهران ما چنین ساده و ندیده گرفته می‌شود.

پیشگام حتی بیاد نمی‌آورد که خود، پس از حرکت انجمن به جریانات دانشجویان پیوسته و روزهای اول و قبل از هجوم که هوشیاری و سازمان یافتگی فراوانی را ایجاب میکرد برادران و خواهران ما بتنهائی مبادرت به مقاومت کردند.

## نتایج مبارزه دانشجویان و جنبش دانشجویی

---

انجمن‌های دانشجویان مسلمان یادآوری این نکته را لازم می‌دانند که جریان‌ات دانشگاه من حیث المجموع و از جنبه‌ها و ایجاد علی‌رغم اشتباهات و چپ‌روی‌ها، پیروزی نسبی برای جنبش دانشجویی محسوب می‌گردد. چراکه دانشجویان توانستند در مجموع توطئه اشغال دانشگاهها و تعمیم سرکوب دانشگاهها به کل جامعه که هدف اصلی ارتجاع بوده را در نطفه خفه سازند و نتایج و ضررهای مخرب و ضد مردمی این موج ارتجاع روبه-احتضار را بطور مرحله‌ای به دانشگاهها محدود نمایند.

ما ضمن یادآوری این نکته که جریان‌ات دانشگاه تجربیات گرانگیزی برای دانشجویان به ارمغان آورد، و قطعاً موجب رشد و تکامل جنبش دانشجویی در مبارزه ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی خواهد بود و از آن جمله است تجربه عینی و ملموس کم بها دادن به شرایط عینی و ذهنی جامعه و تقدم ذهنیت نیروها بر عینیات جامعه و نیز مسأله توهم توده‌ها و پیروسه لازم برای زدودن آن از کانال تاکتیکهای متناسب و نیز مسأله هوشیاری و تحلیل علمی و واقعی از سیستم حاکم و جناحهای آن و نقیضش ارتجاع در سرکوبی نیروهای انقلاب و نیز تجربه گرانبهای نقش مواضع و خطوط انحرافی اپورتونیستی چه چپ و چه راست در به انحراف کشیده شدن جنبش دانشجویی. این مهم را تأکید می‌کنیم که شرح مواضع ما و بررسی انتقادات و احیاناً نقدهائی که صورت گرفته جز به دلیل احساس مسئولیت انقلابی انجمنهای دانشجویان مسلمان نبوده و همچنانکه در مقدمه اشاره شده، امیدواریم بحثی خلاق و انقلابی را بدور

از تنگ نظریهای خرده بورژوازی در محیط پاک و دوساره  
خونین دانشگاهها انجام داده باشیم و با روشن نمودن ابهامات  
و نشان دادن واقعیتها، راهگشا و زمینه ساز عمل انقلابی  
در شرایط حساس و پیچیده کنونی باشیم.

انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی تهران

۱۳۷۱ / ۴ / ۲۱

